

دغدغه‌های امنیتی اتحادیه اروپا و توان‌مندی‌های ترکیه

مجید محمدشریفی^۱

مریم دارابی‌منش^۲

چکیده

امنیت از مهم‌ترین موضوعات در روابط ترکیه و اتحادیه اروپا بوده است. رهبران ترکیه همواره سعی در پیوند زدن نگرانی‌های امنیتی خود با اتحادیه اروپا داشته و تلاش کرده‌اند خود را به عنوان کنش‌گر تأمین‌کننده امنیت این اتحادیه معرفی کنند. اتحادیه اروپا نیز در راه‌برد امنیتی جدید خود، سعی در گسترش حوزه امنیتی در خارج از مرزهای اتحادیه داشته و پدیده‌هایی مانند تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، منازعات قومی، امنیت انرژی و امنیت هویتی را به عنوان چالش‌های امنیتی خود تعریف کرده و برای رفع این تهدیدها، ترکیه به عنوان کنش‌گری مهم در نظر گرفته شده است. در آغاز، این روابط تنها محدود به حوزه قدرت نظامی بود و توانایی‌های ترکیه در این بخش بررسی می‌شد. اما در سال‌های اخیر اتحادیه اروپا بیش‌تر سعی در استفاده از توانمندی‌های غیرنظامی ترکیه داشته است. بر این اساس، پرسشی که مقاله حاضر مطرح می‌کند این است که ترکیه برای دستیابی به عضویت دائم در اتحادیه اروپا از چه توانمندی‌های امنیتی برخوردار است؟ در پاسخ به این پرسش، نویسندگان مقاله با پرداختن به نگرانی‌های امنیتی اتحادیه اروپا به‌ویژه پس از جنگ سرد و تحولات بعد از یازده سپتامبر، قابلیت‌ها و توانایی‌های ترکیه در پاسخ به این نگرانی‌ها را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: امنیت، ترکیه، اتحادیه اروپا، منازعات منطقه‌ای، تروریسم، امنیت انرژی.

^۱ دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران (نویسنده مسؤول) m.darabi67@yahoo.com

مقدمه

روابط ترکیه و اتحادیه اروپا پس از برگزاری کنفرانس هلسینکی در سال ۱۹۹۹ و بررسی نامزدی ترکیه برای پیوستن به این اتحادیه وارد مرحله جدیدی شد. از همان آغاز، امنیت از مهم‌ترین موضوع‌ها در فرآیند الحاق بود. برخی تحلیل‌گران توانایی‌های ترکیه را در بُعد امنیتی از مهم‌ترین انگیزه‌های اتحادیه برای بررسی نامزدی این کشور در پیوستن به این اتحادیه ارزیابی می‌کنند (Fisher Onar, 2009, P. 5). مقامات ترکیه نیز با تحلیلی راه‌بردی از تغییرات محیط امنیتی اروپا سعی در استفاده از فرصت‌های ایجاد شده برای عضویت در این اتحادیه دارند (Garber, 2010, pp. 1-5). هرچند برخی پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا را از منظر امنیتی برای این اتحادیه سودمند ارزیابی می‌کنند، برخی دیگر معتقدند پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا بیش از این که نگرانی‌های امنیتی اروپا را برطرف کند، مسائل و موضوعات امنیتی جدیدی را وارد دستور کار این اتحادیه خواهد کرد (Jenkins, 2001, p. 269). موقعیت جغرافیایی ترکیه و قرار گرفتن این کشور در حوزه مناطق بحران‌خیز جهان مانند خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز و بالکان، سبب نگرانی اروپاییان از هم‌مرز شدن این اتحادیه با این مناطق در صورت الحاق ترکیه به اروپا شده است.

به نظر می‌رسد این دیدگاه بدبینانه چندان مورد پذیرش قرار نگرفته است. منتقدان بر این باورند که این نظریه بسیاری از منافع دیگر ناشی از پیوستن ترکیه به اتحادیه را نادیده می‌گیرد. تغییر در ماهیت^۳ و منبع^۴ تهدیدات، به‌ویژه پس از جنگ سرد و همچنین حملات تروریستی یازده سپتامبر، سبب بازنگری اتحادیه اروپا در راه‌برد امنیتی خود شد. در این راه‌برد جدید تأکید شده است که «اکنون و در عصر جهانی شدن برخی تهدیدها در فاصله مکانی دورتر، بسیار زیان‌بارتر و خطرناک‌تر از رویدادهایی است که در داخل مرزهای اروپا روی می‌دهند» (European Council, 2003, p. 11). هر چند اروپا در تشکیل «جامعه امنیتی»^۵ در چارچوب مرزهای خود موفق بوده اما ضرورت گسترش این منطقه صلح^۶ را با توجه به جهانی

³ Nature

⁴ Source

⁵ Security community

⁶ Zoon of Peace

شدن تهدیدات احساس می‌کند. از این روی توجه به مناطقی مانند بالکان، خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، دریای سیاه و دریای مدیترانه در دستور کار امنیتی این اتحادیه قرار گرفته است. ترکیه به دلیل هم‌جواری با این مناطق از یک‌سو، و همچنین توانایی‌های نظامی و غیرنظامی از سوی دیگر به عنوان کنش‌گری^۷ مهم برای اتحادیه اروپا قلمداد می‌شود. مقامات ترکیه با پی بردن به این ویژگی‌ها سعی در فعال‌تر شدن در امور منطقه‌ای به‌ویژه خاورمیانه داشته‌اند.

در چارچوب ملاحظات فوق، مقاله حاضر قصد دارد ضمن پرداختن به نگرانی‌های جدید اتحادیه اروپا در حوزه تهدیدات امنیتی، توانایی‌های ترکیه را برای ایفای نقش در حوزه این موضوعات مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. بر این اساس، سؤال مقاله حاضر این است که ترکیه برای دست‌یابی به عضویت دائم در اتحادیه اروپا از چه توانمندی‌های امنیتی برخوردار است؟ در جست‌وجوی یافتن پاسخی مناسب برای این سؤال، مقاله در ابتدا با رویکردی توصیفی-تحلیلی به نگرانی‌های امنیتی اتحادیه اروپا به‌ویژه پس از جنگ سرد و تحولات بعد از یازده سپتامبر می‌پردازد. سپس قابلیت‌ها و توانایی‌های ترکیه در پاسخ به این نگرانی‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت. از منظر این مقاله، توانمندی‌های ترکیه برای ایفای نقش کنش‌گر امنیتی برای اتحادیه اروپا می‌تواند یکی از برگ‌های برنده این کشور برای پیوستن به اتحادیه اروپا باشد. اگرچه همان‌گونه که اشاره خواهد شد عوامل مختلفی از جمله هویت اروپایی همچنان مهم‌ترین موانع این الحاق باقی بماند.

۱- چارچوب نظری: مکتب کپنهاگ، تغییر ماهیت امنیت و کنش‌گران امنیتی

در دوران جنگ سرد، رهیافت واقع‌گرایی بر مطالعات امنیتی تفوق داشت، اما پس از پایان جنگ سرد به تدریج اجماعی در میان تحلیل‌گران امنیتی ایجاد شد که رهیافت واقع‌گرایی تحلیل امنیت نامناسب و ناکارآمد است. بدین ترتیب زمینه برای شکل‌گیری رهیافت‌ها و مکاتب جدید امنیتی فراهم شد (بوزان، ۱۳۷۸، صص ۱۰-۱۱). مهم‌ترین مطالعات مربوط به امنیت پس از جنگ سرد در چارچوب مکتب کپنهاگ و به طور خاص در آثار بری بوزان و الی ویور صورت گرفت. این مکتب با رد نظامی-محوری در

⁷ Actor

مطالعات امنیتی، امنیت تک بعدی را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گسترش می‌دهد. عامل تعیین‌کننده امنیت در این مکتب، میزان رهایی از تهدید است و کشورها امنیت خود را بر اساس آن، مورد سنجش قرار می‌دهند.

از منظر نظریه پردازان مکتب کپنهاگ تعریف مفهوم امنیت بر مبنای حفظ بقاء دولت‌های ملی نه تنها تنگ‌نظرانه بلکه گمراه‌کننده است. تهدیدهای پیش‌روی دولت‌ها گوناگون و پیچیده هستند و همین ویژگی در ابعاد و مفهوم امنیت ملی بازتاب می‌یابد. توجه عمده این مکتب به مطالعات امنیت ملی دوران پساجنگ سرد و تحولات گسترده‌ای است که در این حوزه رخ داده است. در سایه این تغییرات، سؤال مهمی که ذهن بسیاری از تحلیل‌گران امنیتی را به خود مشغول داشت، این بود که آیا مطالعات امنیتی باید تأکید و تمرکز سنتی رایج خود را که متوجه تهدیدهای نظامی علیه امنیت کشورها بوده است، ادامه دهد و یا دایره تمرکز خود را گسترده‌تر کند؟ پاسخ اعضای مکتب کپنهاگ این بود که مطالعات امنیتی باید دستور کار امنیتی خود را گسترش دهد به گونه‌ای که تهدیدهای غیرنظامی موجود علیه کشورها و همچنین امنیت تمامی بازیگران را در رابطه با طیفی گسترده از تهدیدات نظامی و غیرنظامی در خود جای دهد (شیهان، ۱۳۸۸).

مکتب کپنهاگ امنیت را به دو دسته مضیق و فراگیر دسته‌بندی می‌کند. منظور از امنیت مضیق مطالعه امنیت در چارچوب تنگ نظامی و راه‌بردی است، چنان‌که در دوران جنگ سرد حاکم بود. اعضای این مکتب معتقدند که ماهیت در حال تغییر و تحول محیط بین‌المللی، دیدگاهی وسیع‌تر از امنیت را ضروری می‌سازد. لذا آنان با نقد مفهوم مضیق امنیت تلاش کردند چارچوبی وسیع‌تر از امنیت ارائه دهند تا به گفته خودشان «تواند به آن‌هایی کمک کند که مایل به استفاده از این مفهوم در موارد خاص هستند» (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۳۵). بوزان با طرح دلایل عقب‌ماندگی مفهوم امنیت به نقد تعریف مضیق از امنیت پرداخت. به عبارت دیگر، وی دیدگاه‌های کسانی را رد می‌کند که امنیت را فقط در چارچوب عینی و جدا از ذهن و افکار افراد تلقی می‌کنند. وی با اتخاذ نگرشی بین‌الذهانی به مفهوم امنیت، تلاش کرده است مفهوم امنیت را از دایره تنگ نظامی خارج و آنرا در سطوح گوناگون ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و در لایه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست‌محیطی مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

بوزان با زیر سؤال بردن امنیت مضیق، امنیت را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گسترش داد. این بخش‌ها ابزار تحلیلی مناسب برای مشخص کردن مجموعه پویایی‌های مختلف هستند. وی معتقد است امنیت ساختاری بدیع را بر می‌انگیزد که در آن امنیت به بقا گره می‌خورد (بوزان، ۱۳۷۸، صص ۲۵-۲۰). بوزان با این اقدام روی خطی مابین اردوگاه سنتی و غیر سنتی حرکت می‌کند.

به تناسب تغییر در ماهیت و منبع تهدیدات، سیاست خارجی دولت‌ها نیز برای چگونگی رفع این تهدیدات امنیتی تغییر کرد. دیگر اتکاء بر قدرت نظامی، برای کسب حداکثر قدرت برای تأمین حداکثر امنیت نمی‌توانست پاسخ‌گو باشد. این محدودیت از سوی دیگر فرصتی را برای برخی از کشورها فراهم کرد تا با خارج شدن از محدودیت‌های نظامی و ایدئولوژیک دوران جنگ سرد از تغییرات ژئواستراتژیک ایجاد شده برای بهره‌مندی بیشتر و تأمین منافع ملی استفاده کنند. به عبارت دیگر، پایان تسلط منطق جنگ سرد، مجال مناسبی برای برخی از کشورها از جمله قدرت‌های منطقه‌ای فراهم کرد تا با استفاده از شرایط جدید به پیگیری اهداف راه‌بردی پردازند. تغییر در ماهیت تهدیدها ضمن وارد کردن موضوع‌های جدید امنیتی، سیاست خارجی واحدهای نظام بین‌الملل را نیز تغییر داد. تا پیش از این کشورها برای رفع تهدیدهای امنیتی خود از راه‌بردهای واقع‌گرایانه از جمله افزایش توان نظامی در داخل و یا پیوستن به اتحادها و ائتلاف‌های نظامی استفاده می‌کردند (Walker & Morton, 2005, p. 343). پایان جنگ سرد علاوه بر تغییر در ماهیت و منبع تهدیدها، سیاست خارجی کشورها را نیز تغییر داد. استفاده از تمامی منابع قدرت از جمله عامل جغرافیا، نزدیکی به مناطق مهم تولید انرژی، پیوندهای تاریخی و فرهنگی با سایر مناطق و قدرت نرم از ابزار مهمی بود که بعد از جنگ سرد، کشورها برای رسیدن به اهداف کلان از آن بهره می‌گیرند.

۲- اروپا و تهدیدات امنیتی جدید

کشورهای اروپایی از زمان جنگ سرد به دنبال ایجاد یک سیستم امنیت دسته‌جمعی^۸ بوده‌اند. در طول دوران جنگ سرد ناتو اصلی‌ترین سازمان تأمین‌کننده امنیت برای اتحادیه اروپا بود. با وجود این، با پایان جنگ سرد و از بین رفتن تهدید شوروی، ماهیت تهدیدات برای کشورهای اروپایی به سرعت تغییر کرد. ناتو نیز با از بین رفتن دشمن مشترک یعنی سازمان ورشو کارکردها و فلسفه وجودی خود را تغییر داد.

تلاش‌های کشورهای اروپایی برای ایجاد ساختار امنیتی اروپایی در طول دهه ۱۹۹۰ سرعت بیشتری به خود گرفت. این تلاش‌ها سبب شد تا کشورهای عضو این اتحادیه «سیاست خارجی و امنیتی مشترک»^۹ خود را در چارچوب معاهده ماستریخت در سال ۱۹۹۱ پی‌ریزی کنند. این سیاست مشترک، تا کنون تحولات مختلفی داشته است. تأسیس کمیته امنیتی و سیاسی^{۱۰}، کمیته نظامی، هیأت نظامی^{۱۱} و نهایتاً ترتیبات همکاری اروپا و ناتو موسوم به Berlin Plus از مهم‌ترین دست‌آوردهای اروپاییان در طول دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ بوده است. با وجود این تلاش‌ها، نگرانی‌های امنیتی این کشورها به طور کامل برطرف نشده است. بروز تهدیدهای امنیتی جدید و همچنین تغییر در منابع این تهدیدها به‌ویژه پس از حملات تروریستی یازده سپتامبر باعث شد تا کشورهای اروپایی ضرورت بازنگری در راهبرد امنیتی خود را احساس کنند. در همین راستا اتحادیه اروپا سند راهبرد جدید امنیتی خود را در قالب نشست بروکسل در سال ۲۰۰۳ اعلام کرد. این راهبرد از سوی خاویر سولانا «یک اروپای امن در یک استراتژی امنیتی جهانی - اروپایی بهتر»^{۱۲} نام‌گذاری شد (European Commission, 2003) در این نشست، کشورهای اروپایی منابع تهدیدات را در خارج از مرزهای اروپا مورد شناسایی قرار دادند. تهدیدات مورد اشاره این سند عبارتند از: تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، منازعه‌های قومی، امنیت انرژی و امنیت هویتی.

^۸ Collective Security

^۹ Common Foreign and Security Policy (CFSP)

^{۱۰} Political and Security Committee

^{۱۱} Military Staff

^{۱۲} A Secure Europe in a Better World-European Security Strategy

۲-۱- تروریسم

در لیست ارائه شده از سوی خاویز سولانا، تروریسم به عنوان تهدیدی راه‌بردی برای اتحادیه اروپا تعریف شده است. از نظر سولانا، اروپا نه تنها هدف عملیات تروریستی است، بلکه جایگاهی برای رشد و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی در نظر گرفته شده است (European Commission, 2003). حملات یازده سپتامبر باعث تغییری پارادایم^{۱۳} در سیاست بین‌الملل و همچنین تغییر در چگونگی برداشت و نوع برخورد با پدیده جهانی تروریسم شد (Kagan, 2003, p. 3). در این راستا با توجه به حملات تروریستی به شهرهای مادرید و لندن پس از حوادث یازده سپتامبر، کشورهای اروپایی بیش از پیش ضرورت برخورد با این تهدید را احساس کردند. این تهدیدات از آن رو برای اتحادیه اروپا اهمیت داشت که نشان داد علاوه بر این که کشورهای اروپایی می‌توانند هدف حملات تروریستی قرار بگیرند، می‌توانند مرکز پرورش گروه‌های تروریستی نیز قلمداد شوند. تحولات اخیر در سوریه و جنگ داخلی این کشور سبب شده تا برخی از جوانان مسلمان در کشورهای اروپایی برای حضور در سوریه به صورت داوطلبانه وارد خاک این کشور شوند. حضور شهروندان مسلمان از کشورهایی مانند فرانسه، بلژیک، انگلستان، هلند و سایر کشورهای اروپایی مقامات اروپا را بیش از پیش نگران خطر گسترش تروریسم در خاک این اتحادیه کرده است.

۲-۲- سلاح‌های کشتار جمعی^{۱۴}

خطر گسترش تسلیحات کشتار جمعی از دیگر نگرانی‌های امنیتی اتحادیه اروپا است که در سند امنیتی جدید این اتحادیه مورد اشاره قرار گرفته است. از منظر این سند، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی از بزرگ‌ترین تهدیدهای امنیتی علیه این اتحادیه است. این سند در مجموع به سه خطر مرتبط با گسترش این تسلیحات در سطح جهانی به‌ویژه در مناطقی مانند خاورمیانه اشاره می‌کند (Hughes, 2004).

نخستین خطر، گسترش مواد بیولوژیکی، شیمیایی و رادیولوژیکی است. این تهدید تا حدودی ناشی از سابقه استفاده از این مواد در منطقه خاورمیانه از سوی دولت عراق در جریان جنگ هشت ساله با ایران در

¹³ Paradigm¹⁴ Weapons of Mass Destruction

حلیچه است. خاطره وحشت‌آفرین این رویداد باعث شد تا کشورهای اروپایی بر ضرورت کنترل و از بین بردن این مواد در سایر نقاط جهان تأکید کنند.

خطر دوم، گسترش تسلیحات هسته‌ای است. این فن‌آوری پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با سرعت بیشتری رشد کرده است. دستیابی کشورهایمانند کره شمالی، هند و پاکستان به سلاح‌های هسته‌ای خطر بروز مسابقه تسلیحاتی را در میان کشورهای منطقه بالا برده است. از سوی دیگر، تمامی تلاش‌ها برای ایجاد منطقه خاورمیانه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای نیز تا کنون با شکست مواجه شده است.

خطر سوم، احتمال دستیابی گروه‌های تروریستی به این تسلیحات است. از منظر این سند، دستیابی گروه‌های تروریستی به تسلیحات کشتار جمعی می‌تواند تهدیدهایی را ایجاد کند که تا پیش از این برای این اتحادیه ناشناخته بوده است. ماهیت فرامرزی این تهدیدها سبب شده تا چگونگی مقابله با آن‌ها بسیار دشوار (اگر نگوئیم غیر ممکن) شود.

۲-۳- منازعه‌های قومی

با فروپاشی و تقسیم کشور یوگسلاوی، اتحادیه اروپا خطر ناشی از منازعه‌های قومی را در چارچوب مرزهای خود تجربه کرد. ناتوانی در برخورد با این پدیده از سوی کشورهای اروپایی، نگرانی‌های این اتحادیه را نسبت به رویدادهای مشابه افزایش داد. وجود مواضع مختلف و گاه متضاد (مانند اختلاف نظر انگلستان و فرانسه با آلمان درباره چگونگی برخورد با حوادث یوگسلاوی) بر دامنه این نگرانی‌ها افزود. از منظر سند امنیتی جدید اتحادیه اروپا، منازعات قومی می‌تواند سبب نابودی زندگی افراد، زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی و همچنین تهدید آزادی‌های جوامع و حقوق بشر از جمله حقوق اقلیت‌ها شود. این منازعات می‌تواند سبب افراط‌گرایی، تروریسم و همچنین دولت‌های ورشکسته^{۱۵} شود (European Commission, 2003). از سوی دیگر، منازعات قومی همواره به عنوان دست‌آویزی برای فعالیت گروه‌های تروریستی مطرح بوده است. وجود منازعه‌های قومی در مناطق مختلف جهان این فرصت را برای

¹⁵ Failed State

گروه‌های تروریستی فراهم می‌کند تا بتوانند از نابسامانی ایجاد شده در کشورها برای گسترش فعالیت‌های خود استفاده کنند.

۲-۴- امنیت انرژی

از زمان آغاز فرآیند هم‌گرایی کشورهای اروپایی در سال ۱۹۵۱، انرژی از مهم‌ترین عوامل تشکیل اتحادیه اروپا بوده است. تعامل‌ها و همکاری‌های عمیق اعضای تشکیل‌دهنده اتحادیه اروپا ابتدا حول موضوع‌های مربوط به انرژی شکل گرفت. جامعه زغال و فولاد اروپا^{۱۶} و همچنین جامعه انرژی اتمی اروپا^{۱۷} نه تنها بنیان‌های تشکیل جامعه اروپایی^{۱۸} را فراهم ساختند، بلکه برای همکاری کشورهای عضو در حوزه انرژی قواعدی را تصویب کردند. با وجود این و علی‌رغم اهمیت انرژی در زندگی روزانه و بخش‌های مختلف صنعتی، حمل‌ونقل و کشاورزی، امنیت انرژی^{۱۹} یکی از موارد ناموفق اتحادیه اروپا در رسیدن به هم‌گرایی کامل بوده است (Pointvogl, 2009, p. 5704).

افزایش درخواست‌های اتحادیه اروپا در حوزه انرژی از یک سو، و تسلط روسیه بر بازارهای این اتحادیه از سوی دیگر، سبب شده تا کشورهای اروپایی راهبرد جدیدی را برای تنوع بخشیدن به منابع انرژی خود تعریف کنند.

نقطه عطف تأثیرگذار در تاریخ اتحادیه اروپا که منجر به افزایش همکاری‌ها و هماهنگ‌سازی سیاست‌های در زمینه انرژی شد، اختلاف‌های روسیه و اوکراین بر سر قیمت گاز و قطع صادرات به اروپا در سال‌های ۲۰۰۵، ۲۰۰۷، ۲۰۰۹ و اخیراً در سال ۲۰۱۴ بود. این حوادث کشورهای اروپایی را ناچار به اتخاذ رویکرد متنوع‌سازی عرضه‌کنندگان در زمینه انرژی کرده است. تنوع بخشیدن به منابع انرژی و همچنین استفاده از انرژی‌های جایگزین از جمله راه‌حل‌های این اتحادیه برای برخورد با مسأله انرژی بوده است. با وجود این، هزینه‌بر بودن استفاده از انرژی‌های جایگزین، استفاده از دیگر مراکز تولید نفت و گاز مانند خلیج فارس و آسیای مرکزی و قفقاز را برای این اتحادیه در اولویت قرار داده است. در سال‌های

¹⁶ The European Coal and Steel Community (ECSC)

¹⁷ European Atomic Energy Community (EURATOM)

¹⁸ European Community

¹⁹ Energy Security

اخیر خطر قطع صادرات گاز با توجه به بی‌ثباتی در روابط روسیه و اتحادیه اروپا و همچنین بحران اوکراین، یافتن منابع جدید عرضه انرژی را به یکی از الویت‌های مهم اتحادیه اروپا تبدیل کرده است.

۲-۵- امنیت هویتی

هویت از پیچیده‌ترین موضوعاتی است که وارد دستور کار امنیتی دولت‌ها شده است. حتی در جوامعی که بیش‌ترین هماهنگی و تجانس را در عناصر هویتی مانند قومیت، مذهب و فرهنگ اجتماعی دارند، هویت به طور یک‌دست تشکیل نمی‌شود. جوامع همواره درگیر چگونگی تعریف هویت جمعی خود هستند (Barnett, 1996, p. 411). در مورد اتحادیه اروپا مهاجرت غیر قانونی به عنوان تهدیدی امنیتی برای این اتحادیه مطرح شده است. مهاجرت پدیده‌ای اجتماعی است که از طریق اقتصاد، سیاست، فرهنگ اجتماعی، تاریخی و جغرافیایی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. تبعیض‌های اقتصادی و به‌ویژه عدم مشارکت اقتصادی انگیزه اصلی مهاجران برای ترک کشور است (Collins, 2010, p. 144). روند رو به رشد مهاجرت به اروپا از سوی کشورهایی که دارای اختلاف‌های فرهنگی با این اتحادیه هستند، اکنون بر خلاف سال‌های اولیه پس از جنگ جهانی دوم به معضلی امنیتی برای این اتحادیه تبدیل شده است. به عنوان مثال، بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۹ جنگ داخلی در یوگسلاوی باعث شد تا ۲۷۵ هزار نفر از ساکنان بوسنی به کشور آلمان پناهنده شوند.

در مجموع در محیط استراتژیک جدید پس از جنگ سرد، هویت اروپایی^{۲۰} به عنوان یکی از موضوع‌های اصلی امنیتی برای این اتحادیه مطرح شده است. محیط نظام بین‌الملل جدید و بروز منازعه‌های قومی در یوگسلاوی سابق سبب شد تا اروپا هویت را به عنوان موضوعی امنیتی وارد دستور کار خود کند. اتحادیه اروپا با تعریف عناصر خاصی از هویت اروپایی، در تعامل با سایر کنش‌گران با هویت‌های متفاوت همواره محتاط بوده است. ترس از تشکیل «دیگری» در داخل این موجودیت واحد، همواره یکی از نگرانی‌های مهم اتحادیه اروپا معرفی شده است.

²⁰ European Identity

۳- ترکیه و ساختار امنیتی اروپا

ترکیه از دهه ۱۹۵۰ و با پیوستن به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) خود را به عنوان یکی از کنش‌گران امنیتی در اروپا معرفی کرد. رهبران ترکیه همواره سعی داشتند توان‌مندی‌های خود در زمینه مسائل امنیتی را به این اتحادیه نشان دهند. از منظر رهبران این کشور، اهمیت استراتژیک ترکیه و توانایی‌های نظامی آن از عوامل اصلی در تأمین امنیت برای اتحادیه اروپا است (Bilgin, 2004, p. 347). از منظر تحلیل‌گران ترکیه، «بازسازی امنیت اروپا پس از جنگ سرد در مجموع به زیان این کشور بوده است. با کاهش میزان تهدیدهای نظامی، ترکیه دیگر نمی‌تواند به عنوان عضوی مهم از سیستم اروپایی مطرح شود» (Muftuler, 2000, pp. 489-502).

پس از تلاش‌های اولیه به منظور اروپایی کردن امنیت این اتحادیه و احیای اتحادیه اروپای غربی (WEU)^{۲۱} در سال ۱۹۹۲ ترکیه توانست جایگاهی را در سیستم امنیتی اتحادیه اروپا به دست آورد. این خوش‌بینی اولیه برای اروپایی کردن امنیت با تلاش‌های انگلستان و فرانسه برای عملی کردن «برنامه اروپایی برای سیاست امنیت و دفاعی»^{۲۲} در سال ۱۹۹۸ و در قالب نشست سنت‌مالو^{۲۳} پایان یافت. با تصویب این برنامه، اتحادیه اروپای غربی به عنوان یک سازمان بدون کارکرد، موجودیت خود را از دست داد و امیدهای ترکیه برای ایفای نقش در این اتحادیه از بین رفت (Aykan, 2005, p. 335). مشارکت ترکیه در سیستم امنیتی اتحادیه اروپا تنها به زمان‌هایی محدود شد که این اتحادیه احساس نیاز می‌کرد. تلاش‌های ترکیه برای ورود مجدد به سیستم امنیتی اروپا سبب نشست دو طرف در سال ۲۰۰۱ در آنکارا و همچنین تصویب سند اجرایی نیس^{۲۴} (NID) شد. بر مبنای توافق‌نامه آنکارا، ترکیه می‌توانست به طور خودکار در عملیات موسوم به Berlin Plus شرکت کند. هم‌زمان اتحادیه اروپا به منظور کاهش نگرانی‌های ترکیه اعلام کرد که شرکت در عملیات Berlin Plus تنها برای آن دسته از کشورهای اروپایی امکان‌پذیر

²¹ Western European Union

²² European Security and Defence Policy (ESDP)

²³ Saint Malo Summit

²⁴ Nice Implementation Document

است که عضو ناتو باشند و یا در برنامه مشارکت برای صلح^{۲۵} همکاری داشته باشند و بدین ترتیب، قبرس از حوزه عملیات این اتحادیه کنار گذاشته شد. به طور کلی، با توافق‌های به‌دست آمده، ترکیه از حق وتوی خود در ناتو صرف نظر کرد و اتحادیه اروپا نیز توانست عملیات خود را در چارچوب Berlin Plus از سال ۲۰۰۳ آغاز کند (Aykan, 2005, pp. 346-348).

علی‌رغم توافق‌های به‌دست آمده میان ترکیه و اتحادیه اروپا، این دو هنوز در برخی موارد با یکدیگر اختلاف نظر دارند. عدم توافق در مورد چگونگی شرکت قبرس در عملیات نظامی و امنیتی اتحادیه اروپا و همچنین این که چه مواردی را می‌بایست در چارچوب عملیات Berlin Plus قرار داد، از جمله موارد اختلاف میان دو طرف است. ترکیه و اتحادیه اروپا با آگاهی از لزوم همکاری متقابل در موضوع‌های امنیتی، توانسته‌اند توافق‌های دوجانبه را تصویب و اجرا کنند. تغییر در شرایط امنیتی نظام بین‌الملل پس از سال ۲۰۰۱ از اصلی‌ترین عوامل گسترش همکاری میان دو طرف بوده است. با وجود این، اهمیت ترکیه برای اتحادیه اروپا تنها محدود به توان‌مندی‌های نظامی نیست. در سال‌های اخیر اتحادیه اروپا سعی کرده تا از توان‌مندی‌های غیر نظامی ترکیه برای غلبه بر چالش‌های جدید امنیتی خود استفاده کند. در مجموع، ترکیه از دو گونه توان‌مندی نظامی و غیر نظامی برخوردار است که می‌تواند در رفع نگرانی‌های جدید امنیتی به اتحادیه اروپا یاری رساند.

۳-۱- توانایی‌های نظامی

قدرت سخت و یا توانایی‌های نظامی ترکیه از مهم‌ترین عوامل مشارکت ترکیه در سیاست‌های امنیتی اتحادیه اروپا است. برای بررسی میزان این توانایی‌ها می‌بایست عواملی مانند کمیت نظامیان، ساختار نظامی و کارآیی نیروهای نظامی را در نظر گرفت. ترکیه در سال ۲۰۰۶ یکی از پنج کشوری بود که بیش‌ترین میزان سرمایه‌گذاری را در بخش نظامی انجام داد (SIPRI, 2007). علی‌رغم تلاش‌های ترکیه برای منطبق کردن سیستم حکومتی خود با معیارهای مورد توجه اروپا و افزایش قدرت و همچنین شفافیت سیاست‌های پارلمانی، بودجه نظامی این کشور چندان شفاف نیست. با توجه به وجود هزینه‌های فوق‌العاده مانند صندوق

²⁵ Partnership for Peace

حمایت از صنعت دفاعی^{۲۶} که برای انجام برخی طرح‌های خاص در نظر گرفته شده است، ارزیابی بودجه نظامی ترکیه کار دشواری است. بودجه نظامی اعلام شده این کشور در سال ۲۰۰۷، ۱۷/۵۰ میلیارد دلار بود که این بودجه ۸/۸ درصد کل بودجه مالی و ۲/۷۴ درصد تولید ناخالص ملی این کشور است (SIPRI, 2007). بر این اساس، بودجه نظامی ترکیه ۲/۷ درصد کل تولید خالص ملی این کشور را تشکیل می‌دهد. در مجموع ترکیه در میان اعضای ناتو، دومین کشور و در میان کشورهای اروپایی، نخستین کشوری است که بیش‌ترین نیروی نظامی را در این سازمان دارد. بر اساس برآوردهای انجام شده، هم‌اکنون ترکیه از نظر توان نظامی در رده ششم قدرت‌های جهانی قرار دارد. به نظر می‌رسد بودجه نظامی و همچنین نیروهای نظامی کشور ترکیه محرکی مناسب برای پذیرش این کشور در نهادهای امنیتی اروپا است.

۳-۲- توان‌مندی‌های غیر نظامی

با توجه به تغییرات ایجاد شده در ماهیت و منبع تهدیدهای پس از جنگ سرد و همچنین حوادث یازده سپتامبر، به نظر می‌رسد کشورها نیز متناسب با این تغییرها، خواهان بازنگری در نوع توانایی‌های خود برای مقابله با این تهدیدها هستند. ترکیه با آگاهی از این که بسیاری از تهدیدهای جدید را نمی‌توان تنها با اتکاء به نیروی نظامی پاسخ داد، به دنبال بهره‌برداری از دیگر توانایی‌های خود است. با توجه به افزایش مسئولیت‌های بین‌المللی ترکیه پس از جنگ سرد، این کشور نگاهی ویژه به دیگر منابع قدرت خود داشته است. در زیر به توانایی‌های غیر نظامی ترکیه برای برخورد با تهدیدات امنیتی جدید اتحادیه اروپا اشاره می‌شود.

۳-۲-۱- موقعیت جغرافیایی

در بررسی توانایی‌های غیرنظامی ترکیه برای مقابله با تهدیدات امنیتی، موقعیت جغرافیایی نخستین عاملی است که مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. نزدیکی این کشور به مناطقی مانند خاورمیانه یا قفقاز که تأثیری مستقیم بر امنیت کشورهای اروپایی دارند، همواره مورد توجه سیاست‌گذاران اروپایی بوده است. تغییر در ماهیت نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد معنایی جدید به اهمیت جغرافیایی ترکیه داده است

²⁶ Defense Industry Support Fund

(Bilgin, 2004, pp. 269-291). قرار گرفتن ترکیه در منطقه‌ای استراتژیک این امکان را برای این کشور فراهم کرده تا بتواند در صورت عضویت در اتحادیه اروپا، عمق استراتژیک این اتحادیه را تقویت کند. در ادامه به این مناطق اشاره می‌کنیم.

الف) منطقه مدیترانه و دریای سیاه: این منطقه از جمله مناطقی است که اهمیتی راهبردی برای اتحادیه اروپا دارد. این منطقه از منظر موضوع‌هایی مانند انرژی، جرایم سازمان‌یافته و همچنین مسأله تروریسم نقشی مهم در سیاست‌های امنیتی اتحادیه اروپا دارد. ترکیه با آگاهی از این موضوع، سعی در بنیان‌گذاری و عضویت در برخی از مهم‌ترین سازمان‌های این منطقه داشته است تا از این طریق بتواند نقشی فعال در مسائل این منطقه ایفاء کند. از جمله این سازمان‌ها می‌توان به همکاری‌های اقتصادی دریای سیاه^{۲۷} (BSEC) و نیروی نظامی دریای سیاه^{۲۸} اشاره کرد (Aybak, 2001, p. 55). علاوه بر این، اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۷ برنامه‌ای را جهت استخراج و انتقال انرژی و تضمین ثبات و امنیت در این منطقه طراحی کرده است. افزایش تنش‌های میان روسیه و اوکراین و امکان قطع صادرات گاز به اروپا اهمیت این منطقه را در سیاست‌های انرژی اروپا افزایش داده است. ترکیه از مهم‌ترین کشورها برای اتصال اروپا به این منطقه است (Andres & Kofman, 2011, p. 14).

ب) منطقه بالکان: این منطقه که برای مدت زمانی طولانی تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی قرار داشت، پس از فروپاشی این امپراتوری و همچنین پس از پایان جنگ سرد، مورد توجه ترکیه قرار گرفت. روابط ترکیه با کشورهای این منطقه بر مبنای میراث تاریخی و فرهنگی به‌جا مانده از آن دوران شکل گرفته است. ترکیه در اغلب مأموریت‌های سازمان ملل، ناتو و اتحادیه اروپا در این منطقه شرکت کرده است. حضور ترکیه در برخی از سازمان‌های منطقه‌ای مانند فرآیند همکاری اروپای جنوب شرقی^{۲۹} (SEECP)، که تنها سازمان منطقه‌ای در بالکان است و همچنین شورای همکاری

²⁷ Black Sea Economic Cooperation

²⁸ Black Sea Force

²⁹ South East European Cooperation Process(SEECP)

منطقه‌ای^{۳۰} (RCC) که در سال ۲۰۰۸ جایگزین برنامه همکاری اروپای جنوب شرقی شد، این امکان را برای ترکیه فراهم کرده است تا بتواند در مسائل این منطقه دخالت کند (Dogru, 2009, pp. 32-62). با توجه به اهمیت منطقه بالکان در سیاست‌های امنیتی اتحادیه اروپا و نقشی که مسائلی مانند منازعه‌های قومی می‌تواند در ثبات و امنیت این اتحادیه داشته باشد، اروپا همواره از فعالیت‌های ترکیه در این حوزه حمایت کرده است. تجارب تلخ گذشته مانند بحران بوسنی و بحران کوزوو، کشورهای اروپایی را وادار به اتخاذ سیاست‌هایی فعال‌تر در این منطقه کرده است.

ج) منطقه خاورمیانه: تغییر نگرش در سیاست خارجی ترکیه نسبت به موضوعات منطقه‌ای را به خوبی می‌توان در فعال شدن این کشور در امور منطقه خاورمیانه مشاهده کرد. هرچند ترکیه دارای پیوندهای عمیق مذهبی، فرهنگی و تاریخی با کشورهای منطقه خاورمیانه است، اما برای مدت زمانی طولانی به‌ویژه در دوران حاکمیت گفتمان کمالیسم^{۳۱} در سیاست خارجی این کشور، ترکیه به گونه‌ای خاورمیانه را در سیاست خارجی خود نادیده می‌گرفت. این بدبینی نسبت به خاورمیانه تا حدودی به دلیل حاکم بودن این نگرش در میان رهبران ترکیه بود که کشورهای عربی عامل اصلی در فروپاشی امپراتوری عثمانی بعد از جنگ جهانی اول بوده‌اند (Taspinar, 2008, p. 13).

روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه سبب تغییر نگرش ترکیه نسبت به منطقه خاورمیانه شد. رهبران جدید ترکیه با تأکید بر قرابت‌های فرهنگی و تاریخی خود با کشورهای منطقه، خواهان فعال شدن هر چه بیش‌تر در امور این منطقه شدند. تلاش برای نزدیکی به کشور سوریه (البته پیش از رویدادهای اخیر در سوریه که ترکیه کاملاً سیاست خود را نسبت به دولت بشار اسد تغییر داد)، از جمله این موارد بوده است. دو کشور در سال ۲۰۰۹ توافق‌نامه‌ای را با یکدیگر امضاء کردند که بر اساس آن مسافرت اتباع دو کشور بدون نیاز به اخذ ویزا انجام شود. همچنین دو کشور در مورد تشکیل شورای همکاری استراتژیک^{۳۲} با یکدیگر توافق کردند. تلاش ترکیه برای نزدیکی به عراق به‌ویژه در زمینه برخورد با حرکت‌های

³⁰ Regional Cooperation Council (RCC)

³¹ Kemalism Discourse

³² Turkey-Syria High-Level Strategic Cooperation Council

تروبیستی گروه PKK در سال‌های اخیر بسیار افزایش یافته است. دو کشور تاکنون ۴۸ موافقت‌نامه جداگانه را در مورد موضوع‌های مختلف با یکدیگر امضاء کرده‌اند (Oguzlu, 2007, p. 32). همچنین ترکیه سعی در کاهش اختلاف‌های خود با اقلیم کردستان عراق نیز داشته است که از بُعد امنیتی برای ترکیه بسیار حایز اهمیت است.

یکی دیگر از ابعاد مهم سیاست منطقه‌ای ترکیه در خاورمیانه تلاش این کشور برای میانجی‌گری در مناقشه‌های این منطقه است. ترکیه نقشی فعال در انجام مذاکرات برای حل مسأله فلسطین داشته است (Bolme, 2009, pp. 23-31). ترکیه میزبان و برگزارکننده پنج دور مذاکره میان سوریه و اسرائیل بوده است. این کشور در عملیات صلح سازمان ملل در لبنان^{۳۳} هزار نفر از نیروهای نظامی خود را به این کشور اعزام کرد. ترکیه همچنین به عنوان کشوری ثالث، جریان مذاکرات میان محمود عباس و مقام‌های اسرائیلی را تسهیل کرده است. ترکیه همچنین در جریان تلاش‌ها برای حل مسأله هسته‌ای ایران یکی از مهم‌ترین جلوه‌های سیاست‌های خارجی خود را به نمایش گذاشته است.

۳-۲-۱- امنیت انرژی

ترکیه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان انرژی، بازاری مهم برای کشورهای صادرکننده نفت و گاز محسوب می‌شود. از سوی دیگر، موقعیت جغرافیایی این امکان را برای ترکیه فراهم کرده تا به عنوان کشوری ترانزیتی برای انتقال انرژی از مناطقی مانند خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین مدیترانه و دریای سیاه مطرح شود.

افزایش درخواست‌های اتحادیه اروپا در زمینه انرژی باعث شد تا این اتحادیه نگاه ویژه‌ای به ترکیه داشته باشد. بر اساس برآوردهای آژانس بین‌المللی انرژی^{۳۴}، تقاضاهای اتحادیه اروپا در بخش نفت و گاز از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، سالانه ۲/۹ درصد افزایش داشته است و از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۳۰ این میزان به ۱/۶ درصد خواهد رسید (International Energy Agency, 2007).

³³ UNIFIL

³⁴ International Energy Agency (IEA)

با توجه به نیاز مبرم اتحادیه اروپا به انرژی، این اتحادیه عامل انرژی را به عنوان یکی از نگرانی‌های امنیتی خود تعریف کرده است. قرار گرفتن ترکیه در مسیر انتقال انرژی موقعیت ویژه‌ای را به این کشور داده است. حدود ۷۰ درصد از منابع نفتی و گازی جهان در بخش‌های شمالی، جنوبی و شرقی ترکیه تولید و منتقل می‌شود. رهبران ترکیه با آگاهی از این موقعیت سعی در احداث و بهره‌برداری از خطوط لوله در انتقال انرژی به کشورهای عضو اتحادیه دارند که از جمله این خطوط می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- خط لوله باکو-تفلیس-جیحون^{۳۵} که نفت آذربایجان را از طریق خاک گرجستان به ترکیه منتقل می‌کند این خط لوله، روزانه یک میلیون بشکه نفت را منتقل می‌کند.

- خط لوله انتقال گاز باکو-تفلیس-ارض‌روم^{۳۶} که گاز میدان شاه دنیز ۱ در آذربایجان را از طریق گرجستان به ترکیه منتقل می‌کند. این خط لوله از سال ۲۰۰۶ به بهره‌برداری رسیده و ظرفیت انتقال گاز آن تا سال ۲۰۱۲ به ۲۶ میلیون متر مکعب رسیده است.

- خط لوله گاز جریان آبی^{۳۷} که گاز روسیه را از طریق خاک سه کشور مولداوی، اوکراین و رومانی به ترکیه منتقل می‌کند.

- خط لوله مواصلاتی میان ترکیه، یونان و ایتالیا که در قالب برنامه انتقال نفت و گاز به اروپا انجام شد و گاز دریای خزر و خاورمیانه را به اروپا منتقل می‌کند (Aras & Iseri, 2009, p. 21).

ترکیه با اجرای موفق این طرح‌ها، خود را به عنوان کشوری مهم در تضمین امنیت انرژی برای اتحادیه اروپا معرفی کرده است.

۳-۲-۳- مقابله با تروریسم

با ظهور تروریسم به عنوان تهدید امنیتی قرن بیست و یکم، ترکیه این فرصت را به دست آورده تا خود را به عنوان یکی از کنش‌گران اصلی در مبارزه با این پدیده معرفی کند. مبارزه با تروریسم از جمله منافع مشترک میان اروپا و ترکیه است. از سوی دیگر در مبارزه علیه تروریسم اکنون توجه به هر دو بُعد قدرت

³⁵ Baku-Tbilis-Ceyhon

³⁶ Bako-Tblis-Eurzurum

³⁷ Blue Steam

نظامی و توان‌مندی‌های غیر نظامی ضروری به نظر می‌رسد. ترکیه به دلیل دارا بودن توانایی‌های نظامی و همچنین تجربه مبارزه با گروه تروریستی PKK از قابلیت‌های مناسبی در حوزه نظامی و غیر نظامی برخوردار است.

موضوع دیگر در ارتباط با تروریسم، به تلاش‌های کشورهای اروپایی برای بازسازی روابط با کشورهای اسلامی باز می‌گردد. این سیاست از جمله اولویت‌های کشورهای اروپایی و آمریکا پس از روی کار آمدن باراک اوباما در نظر گرفته شده است. ترکیه کشوری اسلامی است که از یک سو، پیوندهای عمیق مذهبی، فرهنگی و تاریخی با کشورهای اسلامی دارد و از سوی دیگر، دارای قرابت فرهنگی با غرب است و در نتیجه می‌تواند به عنوان کشوری حایل در ایجاد ارتباط میان غرب و اسلام فعالیت کند (Taspinar, 2008, p. 3). ترکیه به عنوان تنها کشوری که هم‌زمان عضو نهادهایی مانند G20، ناتو و همچنین سازمان همکاری اسلامی است، از توانایی تسهیل در روابط غرب و جهان اسلام برخوردار است.

ترکیه کشور پر جمعیت مسلمانانی است که به‌ویژه پس از حملات تروریستی یازده سپتامبر تلاش کرده تا با ارائه یک الگوی حکومت‌داری اسلامی عناصر گفتمان غربی مانند مردم‌سالاری، حقوق بشر و آزادی-های فردی را با عناصر گفتمان اسلامی ترکیب و از این طریق مدل مناسبی را برای کشورهای مسلمان معرفی کند (Lesser, 2011, p. 3). از منظر غرب، معرفی نمونه حکومت اسلامی تعدیل یافته به همراه رعایت معیارهای غربی می‌تواند ترکیه را برای فعال شدن در بین گروه‌های اسلامی کشورهای منطقه یاری کند. علاوه بر این ترکیه با توجه به قرابت‌های فرهنگی و تاریخی با بسیاری از کشورهای اسلامی ابزار مناسبی برای فعالیت در این کشورها دارد. البته نباید این واقعیت را نادیده گرفت که در برخی موارد ترکیه نتوانسته به اهداف فرهنگی مورد نظر خود در کشورهای اسلامی دست یابد که بررسی دلایل این ناکامی در محدوده بررسی این مقاله قرار ندارد.

ترکیه می‌تواند نقشی مهم در کاهش پدیده اسلام‌هراسی^{۳۸} در اروپا داشته باشد. اصطلاح اسلام‌هراسی برای نخستین بار اواخر دهه ۱۹۸۰ در غرب رایج شد. ریشه این پدیده به زمانی باز می‌گردد که جامعه غربی با نظریه اجتماعی چند فرهنگی تلاش کرد تا ذهن مردم جوامع غربی را نسبت به بیگانه‌هراسی و عدم پذیرش فرهنگ‌های بیگانه حساس کند. در این میان مواجهه جهان غرب با موج قابل توجه مهاجران مسلمان که در اکثر کشورهای اروپایی بیش‌ترین تعداد اقلیت‌های مهاجر را تشکیل داده‌اند به بزرگ‌ترین چالش اجتماعی جوامع غربی تبدیل شد. حوادث یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ بر شدت این جریان در کشورهای اروپایی افزود.

یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های کشورهای اروپایی از پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا این است که ورود یک کشور مسلمان با جمعیتی بالا می‌تواند توازن فرهنگی این اتحادیه را از بین ببرد. حفظ هویت اروپایی همواره یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های کشورهای اروپایی بوده است (Aziz & Fokas, 2007). در مقابل رهبران ترکیه همواره تلاش کرده‌اند تا پذیرش این کشور در اتحادیه اروپا را راه حلی برای کاهش پدیده اسلام‌هراسی در اروپا و از این طریق کاهش تهدیدات امنیتی از سوی جوامع اسلامی معرفی کنند. رهبران ترکیه همواره نسبت به معرفی شدن اتحادیه اروپا به عنوان یک «باشگاه مسیحی» که حاضر به پذیرش فرهنگ‌های دیگر نیست انتقاد و آنرا عامل گسترش بدبینی در میان کشورهای اسلامی می‌دانند. به نظر می‌رسد عوامل زیر در ترکیه می‌تواند به کاهش اسلام‌هراسی در اروپا کمک کند:

الف) ترکیه کشوری اسلامی است و جمعیت قابل توجهی از مسلمان در این کشور زندگی می‌کنند. با وجود این، ترکیه تا حد زیادی گفتمان‌های سیاسی و فرهنگی اروپاییان از جمله گسترش دموکراسی، رعایت حقوق بشر، احترام به آزادی‌های فردی و همچنین گسترش بازار آزاد را پذیرفته است. به عبارات دیگر، ترکیه تلاش کرده تا با تغییرات سیاسی و اقتصادی امکان هم‌زیستی فرهنگ اسلامی و ایستارهای غربی را نشان دهد. ورود این کشور به اتحادیه اروپا می‌تواند نمادی از امکان هم‌زیستی فرهنگی باشد که

³⁸ Islamophobia

اروپاییان همواره در اعلامیه‌های خود به آن اشاره کرده‌اند (Maclaren, 2006, p. 45). در واقع ترکیه می‌تواند نمادی از هم‌زیستی فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی باشد.

ب) ترکیه دارای ارتباط‌های بسیار نزدیکی با جوامع مسلمان در غرب، به‌ویژه در میان کشورهای تازه استقلال‌یافته از یوگسلاوی سابق است. یکی از موارد تهدیدهای امنیتی اتحادیه اروپا همواره نگرانی از سر برآوردن مجدد منازعه‌های قومی در این منطقه است. ورود ترکیه به اتحادیه اروپا می‌تواند سبب نقش-آفرینی بیش‌تر این اتحادیه در کنترل منازعه‌های این منطقه شود.

ج) ترکیه روابط نزدیکی با کشورهای خاورمیانه دارد. تهدیدات امنیتی از درون کشورهای این منطقه به دلایل مذهبی، اجتماعی و اقتصادی یکی از نگرانی‌های امنیتی اتحادیه اروپا است (Brien, 2009). ترکیه به دلایل تاریخی و فرهنگی و در سال‌های اخیر به دلایل اقتصادی توجه ویژه‌ای را به خاورمیانه داشته است. حضور ترکیه در این منطقه و از سوی دیگر نزدیکی به اروپا زمینه مناسبی را برای حضور کشورهای اروپایی در خاورمیانه فراهم می‌کند. از سوی دیگر، ترکیه می‌تواند پل ارتباطی مهمی برای انتقال ایستارهای فرهنگ غربی به منطقه خاورمیانه باشد، منطقه‌ای که به عقیده تحلیل‌گران غربی بیش‌ترین مقاومت را در مقابل ورود این ایستارها انجام داده است.

د) بخشی از نگرانی‌های اتحادیه اروپا در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نیز ناشی از ورود اندیشه‌های بنیادگرایانه در این کشورها از جمله حضور حزب‌التحریر در ازبکستان است. نیاز اروپا به انرژی این منطقه و همچنین بازار کالای آن باعث شده تا رقابتی شدید میان قدرت‌های بزرگ جریان داشته باشد. برخی تحلیل‌گران از شرایط موجود در منطقه با عنوان «بازی بزرگ جدید»^{۳۹} یاد می‌کنند. ترکیه به دلایل تاریخی و فرهنگی و همچنین موقعیت ژئوپلتیک، نفوذ زیادی در بین کشورهای این منطقه دارد. افزایش سرمایه-گذاری ترکیه در بخش‌های اقتصادی این کشورها فرصت مناسبی را برای ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی مورد نظر اروپا فراهم کرده است. تغییر ایستارهای فرهنگی به همراه سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی

³⁹ New Grate Game

می‌تواند نقش مهمی در کاستن از گرایش‌های بنیادگرایانه در منطقه و در نتیجه افزایش امنیت منافع اروپا داشته باشد.

۴- هویت: موضوعی چالش‌برانگیز در روابط ترکیه و اتحادیه اروپا

با پایان جنگ سرد و بروز منازعه قومی در یوگسلاوی، هویت به عنوان موضوعی امنیتی وارد دستور کار اتحادیه اروپا شد. در سند امنیتی جدید اتحادیه اروپا مصوب سال ۲۰۰۳ به موضوع امنیت هویتی اشاره شده اما این موضوع زمانی محل بحث و منازعه بیش‌تری قرار گرفت که مسأله پذیرش اعضای با هویت متفاوت مطرح شد.

در چارچوب این مباحث و از منظر امنیت هویتی، مسأله پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا همواره با دیدگاه‌های مخالف و موافق بسیاری در میان جوامع اروپایی روبه‌رو بوده است. از این رو می‌توان گفت که احزاب و جریان‌های محافظه‌کار، ناسیونالیست و راست‌گرا با عضویت ترکیه در اتحادیه مخالف هستند (اطهری، ۱۳۹۰). مهم‌ترین استدلالی که این احزاب در مخالفت با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا مطرح می‌کنند این است که ترکیه یک کشور مسلمان است و با ورود به اتحادیه اروپا، فرهنگ نسبتاً یک‌دست اروپا را در معرض چالش قرار می‌دهد. طیف‌های محافظه‌کار و راست‌گرا همواره نسبت به حفظ ارزش‌های فرهنگی جامعه خود حساس بوده‌اند و بدین خاطر ارزش‌های اسلامی ترکیه را تهدیدی برای ارزش‌های خود می‌دانند. بیش از بیست سال قبل زمانی که خبرنگاری از وزیر خارجه وقت فرانسه پرسید آیا ترکیه کشوری اروپایی است؟ وی در جواب فقط شانه‌هایش را بالا انداخت و لبخند زد. این بی‌اعتنایی هم می‌تواند از لحاظ جغرافیایی تفسیر شود به این معنا که ترکیه کشوری است که فقط بخش کوچکی از آن اروپایی محسوب می‌شود و بخش اعظم آن از لحاظ جغرافیایی آسیایی است. اما مطمئناً بخش مهم‌تر این بی‌اعتنایی به پیشینه تاریخی و هویتی ترکیه به عنوان یکی از قدرت‌مندترین کشورهای اسلامی در قالب امپراتوری عثمانی برمی‌گردد. هنوز هم در اروپا بسیاری از دولت‌های اروپایی با یادآوری دورانی که ترک‌های مسلمان در اروپا حضور داشتند مخالفت سرسختانه‌ای با پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا ابراز می‌کنند. از لحاظ تاریخی این موضوع به حمله قشون ترکان عثمانی در سال ۱۶۸۳ به اروپا برمی‌گردد که طی آن وین پایتخت اتریش به محاصره درآمد. صرف نظر از این چالش تاریخی، بسیاری از اروپاییان بر

این باورند که در زمینه دین و فرهنگ اتحادیه اروپایی با هویتی مسیحی و فرهنگ اروپایی از هم‌پوشانی با فرهنگ اسلامی و آسیایی ترکیه برخوردار نیست (پوراسمعیلی، ۱۳۹۱).

درک تعارض‌های موجود میان ساختارهای اجتماعی و فرهنگی ترکیه و اتحادیه اروپایی از آن‌رو اهمیت دارد که به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران، مانع اساسی پیوستن این کشور به اتحادیه اروپایی ساختار اجتماعی و فرهنگی آن کشور است. یعنی به‌رغم آن‌که مذاکرات رسمی در مورد پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپایی، حول محور ضعف اقتصادی و سیاسی این کشور جریان دارد، اما مسأله اصلی - که در پشت درهای بسته مذاکرات هم به آن اذعان شده است - موانع فرهنگی، اجتماعی و مذهبی است. این موضوع همان چیزی است که رجب طیب اردوغان نیز آن‌را بر زبان آورد و اعلام کرد که مانع اصلی عضویت ترکیه، مشکل فرهنگی است (لواسانی، ۱۳۸۴، ص ۸).

در مقابل، احزاب سبزها، لیبرال‌ها، سوسیال دموکرات‌ها و روشنفکران اروپایی عمدتاً با الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا موافق‌اند. این گروه عدم پذیرش ترکیه در اتحادیه را به دلیل مسائل فرهنگی و مذهبی غیر قابل قبول می‌دانند (اطهری، ۱۳۹۰). حامیان عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا معتقدند که عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، توانایی فهم بهتر میان اروپایی‌ها و مسلمانان را تقویت می‌کند. در واقع ترکیه می‌تواند خود را به عنوان نماینده جهان اسلام در اتحادیه اروپا ببیند و بدین طریق نوع نگاه کشورهای اسلامی را به غرب منتقل کند. از این دیدگاه، الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا می‌تواند پیوند مستحکمی میان اروپا و خاورمیانه ایجاد کند و به تدریج وسوسه بنیادگرایی در منطقه را کاهش دهد. به نظر می‌رسد ورود ترکیه به اتحادیه اروپا اعتبار استدلال برخوردار تمدن‌های هانتینگتون در سال ۱۹۹۳ (یعنی تمدن غربی در مقابل تمدن اسلامی) را کاهش می‌دهد. در همین راستا، رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، نیز اظهار داشته است که: «عضویت ترکیه در اتحادیه اروپایی، فرصتی خواهد بود برای تقویت اتحاد تمدن‌ها و موانع فرهنگی و مذهبی را که همچون سنگ‌هایی در یک دیوار مسیر روشنایی را مسدود می‌کنند، برمی‌دارد» (پوراسمعیلی، ۱۳۹۱).

نکته مهم در بررسی نقش عوامل هویتی در روابط ترکیه و اتحادیه اروپا، توجه به وجود اقلیت قابل ملاحظه‌کرد در داخل خود ترکیه است. سیاست‌های تبعیض‌آمیز ترکیه در برخورد با این گروه‌ها سبب

شده تا همواره معضل اقلیت کُرد به عنوان یکی از دلایل عدم پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا مطرح شود. در سال‌های اخیر دولت عدالت و توسعه تلاش کرده تا با دادن حقوق بیش‌تر به کُردها از جمله آزادی استفاده از زبان مادری و یا ورود کُردها به پست‌های سیاسی تفاهم بیش‌تری با این گروه‌ها برقرار کند. اگرچه به نظر می‌رسد موضوع کُردها همچنان به عنوان یکی از دشواری‌های ترکیه در پیوستن به اتحادیه اروپا باقی خواهد ماند، اما رهبران ترکیه سعی در تعدیل سیاست‌های خود برای برآورده کردن معیارهای اتحادیه اروپا در برخورد با اقلیت‌ها را دارند.

نتیجه‌گیری

امنیت همواره از مهم‌ترین موضوع‌ها در روابط ترکیه و اتحادیه اروپا بوده است. ترکیه چه در دوران جنگ سرد به دلیل توانایی‌های نظامی و عضویت در ناتو، و چه در دوران پس از جنگ سرد به دلیل توان‌مندی‌های غیر نظامی در حوزه امنیت نرم، جایگاهی مهم در سیاست‌های راه‌بردی اروپا در بُعد امنیتی داشته است. نمودار شدن موضوع‌های جدید امنیتی پس از پایان جنگ سرد مانند تروریسم، منازعه‌های منطقه‌ای، سلاح‌های کشتار جمعی و همچنین امنیت انرژی لزوم همکاری این اتحادیه با کشورهای دیگر را برای بسط جامعه امنیتی ضروری ساخت. این امر از یک‌سو با بازنگری استراتژی امنیتی اتحادیه اروپا و تصویب سند امنیتی ۲۰۰۳ بروکسل همراه بود و از سوی دیگر، این اتحادیه برای مقابله با این تهدیدها، لزوم همکاری با سایر کشورها را می‌بایست در دستور کار سیاست خارجی خود قرار می‌داد. در این میان، ترکیه از دو منظر توانایی‌های نظامی و غیرنظامی جایگاه ویژه‌ای در راه‌برد امنیتی اتحادیه به‌دست آورد. این کشور به دلیل حجم نیروها و تجهیزات نظامی و همچنین ویژگی‌های غیرنظامی مانند موقعیت جغرافیایی از توان بالایی برای نقش‌آفرینی در سیاست‌های امنیتی اتحادیه اروپا برخوردار است. رهبران ترکیه با آگاهی از این ویژگی‌ها همواره سعی در نشان دادن تمایل و همچنین قابلیت‌های خود به اتحادیه اروپا داشته‌اند. نزدیکی این کشور به مراکز اصلی توزیع انرژی در جهان و همچنین قربت مذهبی، تاریخی و فرهنگی با مناطق بحران‌خیز جهان مانند خاورمیانه و حوزه بالکان، این امکان را برای ترکیه فراهم کرده است تا بتواند نقشی فعال در موضوع‌های امنیتی جدید اتحادیه اروپا داشته باشد. موضوعات امنیتی که اتحادیه اروپا بر اساس سند امنیتی جدید خود به آن‌ها اشاره می‌کند همگی به گونه‌ای با موقعیت کشور

ترکیه در ارتباط است. از این‌رو ترکیه می‌تواند کنش‌گری مهم برای اتحادیه اروپا باشد. تحولات اخیر در خاورمیانه نیز نشان داد که ترکیه علاوه بر توان نظامی دارای ظرفیت‌های گسترده‌ای در حوزه توان‌مندی‌های غیر نظامی است. این ویژگی‌ها، ترکیه را برای راه‌برد بلند مدت اتحادیه اروپا به کشوری مهم تبدیل می‌کند.

از سوی دیگر، ترکیه با توجه به تغییرات ایجاد شده در ماهیت و منابع تهدیدات امنیتی، تلاش می‌کند تصویر جدیدی از این کشور ارائه دهد. بر مبنای این تصویر، اهمیت ترکیه دیگر تنها محدود به ویژگی‌های جغرافیایی و یا توان نظامی نیست، بلکه این کشور از ظرفیت بالایی در حوزه توان‌مندی‌های غیر نظامی برخوردار است. به نظر می‌رسد این قابلیت‌ها می‌تواند برگ برنده ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا باشد. البته باید به این واقعیت نیز توجه داشت روابط ترکیه و اتحادیه اروپا با چالش‌های بسیار جدی نیز روبه‌رو است. موضوع‌های حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها و همچنین میزان آزادی‌های مدنی در ترکیه از مسائلی است که روابط این کشور را با اتحادیه اروپا با دشواری‌های زیادی همراه کرده است. از سوی دیگر همان‌گونه که در این مقاله اشاره شد امنیت هویتی از مهم‌ترین موانع برای پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا است. هویت متفاوت ترکیه با سایر کشورهای اروپایی، چگونگی برخورد با این کشور را به موضوعی اختلاف‌انگیز در میان اعضای اتحادیه اروپا تبدیل کرده است. در این مقاله بیشتر وجوه مثبت توان‌مندی‌های ترکیه در حوزه امنیت نرم و سخت مورد بررسی قرار گرفت. با وجود این، چالش‌های بسیاری نیز در این زمینه وجود دارد که می‌تواند به طور جداگانه مورد بررسی قرار بگیرد.

منابع

- اطهری، س. ا. (۱۳۹۰) *نهادهای مدنی و الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا*. پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، بازیابی شده از: <http://fa.merc.ir/default.aspx?tabid=127&ArticleId=1258>. (دسترسی ۱۳۹۰، ۱۷ خرداد).
- بوزان، ب. ویور، ا. و پاپ د. (۱۳۸۶) *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت* (ترجمه ع. ر. طیب). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، ب. (۱۳۷۸) *مردم، دولت‌ها و هراس* (ترجمه م. عطارزاده). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

پوراسمعیلی، ن. (۱۳۹۱) ترکیه و اتحادیه اروپا. مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، بازیابی شده از: <http://www.athary.blogfa.com/post-498.aspx> (دسترسی ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۱، صص ۷۰، ۸-۹).

- Andres, R. & Kofman, M. (2011). European Energy Security: Reducing Volatility of Ukraine-Russia Natural Gas Pricing Disputes. *Strategic Forum*, 264, pp. 1-16.
- Aras, B. & Emra, I. (2009). *The Nabucco Natural Gas pipeline from Opera to Reality*, SETA Policy Brief, 34, pp. 1-12.
- Aybak, T. (2001). *Politics of the Black Sea Dynamics of Cooperation and Conflict*. London, Tauris Press.
- Aykan, M. B. (2005). Turkey and European Security and policies identity/policy (ESDI/P) a Turkish view. *Journal of Contemporary European Studies*, 13(3).
- Aziz, A. & Effie, F. (2007). *Islam in Europe, Diversity, Identity and Influence*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Barnett, M. (1996). Identity and alliances in the Middle East, in Katzenstein P. (ed). *The Culture of National Security*, New York: Colombia University Press.
- Bilgin, P. (2004). A return to civilizational geopolitics in the Mediterranean? changing geopolitical images of European Union and Turkey in the Post Cold war Era. *Geopolitics*, 9(2).
- Bolme, Selin, M. (2009). Charting Turkish diplomacy in Gaza conflict. *Insight Turkey*. 11(1).
- Brein, P. (2009). *European Perception of Islam and American from Saladin to George W. Bush*. London: Palgrav Macmillan.
- Bulen, A. (2000). The Davoutoglu Era in Turkish Foreign Policy. *Insight Turkey*. 11(3).
- Buzan, B. & Thomas D. (1999). The European Union and Turkey. *Survival*, 41(1).
- Ceyhan, E. (2003). Toward a European Security and defense policy: with or without turkey? *Turkish studies*, 4(1).
- Collins, A. (2009). *Contemporary Security Studies*. London: Oxford University Press.
- Dogru, C. E. (2009). *Security aspect of Turkey-EU relations*. Center International de Formation Europeene. Available at: <http://www.ie-ei.eu/IE-EI/Ressources/file/memoires/2009/DOGRU.pdf>, (accessed on 2013, Sep 12).
- European Council (2003, December 12). A Secure Europe in a Better World: European Security Strategy, Brussels. Available at:

- <http://www.isn.ethz.ch/Digital-Library/Publications/Detail/?id=10155&lng=en>, (accessed on 2013, Sep 29).
- European Commissions. (2003, May 26). On the development of energy policy for the enlarged European Union, its neighbours and partner countries. COM (2003) 262 final/2. Brussels. Available at: http://www.ec.europa.eu/world/enp/pdf/strategy/strategy_paper_en.pdf, (accessed on 2013, Nov 14).
- Fisher, O. N. (2009). *NeoOttomanism, historical Legacies and Turkish foreign policy*. Center for Economics and Foreign Policy studies, discussion paper series. Available at: http://www.gmfus.org/doc/Discussion%20Paper%20Series_Fisher.pdf, (accessed on 2013, Sep 12).
- Hughes, K. (2004, Jun). *Turkey and European Union: Just Another Enlargement? A Friend of Europe*. Working paper. Available at: http://www.sant.ox.ac.uk/seesox/michaelmas04/turkey_report2004.pdf, (accessed on 2013, Sep 1).
- International Energy Agency. (2007). Analysis of the Energy Trends in the European Union & Asia to 2030. available at: http://www.eeas.europa.eu/energy/events/energy/eu_asia_energy_trends_en.pdf, (accessed on 2013, Sep 8).
- Jenkins, G. (2001). Turkish and EU security: camouflage or criterion for Candidacy? *Security Dialogue*, 32(2), pp. 269-272.
- Kagan, R. (2003). *Of Paradise and Power: America and Europe in the New World Order*. New York: Knopf.
- kizitlan, I. (2008). Improving the NATO-EU partnership: a Turkish perspective, Turkish. *Policy Quarterly*, 7(3).
- laciner, S. (2005, May 30). Turkish EU membership possible impact on the Mediterranean, Balkans, Black Sea Rim and Russia, *The Journal of Turkish Weekly*.
- Lesser, O. (2011, February 16). The Revolutions in Turkey's Near Abroad. *GMF Analysis on Turkey*, pp. 1-3.
- Mclaren, M. L. (2006). *Identity, Intolerance and attitudes to Europe integration*. London: Palgrave, Macmilan.
- Muftuler, M. (2000). Turkeys Role in EUs Security and foreign Policies. *Security Dialogue*, 31(4), pp. 489-502.
- Oguzlu, T. (2007). Soft power in the Turkish foreign policy. *Australian Journal of International Affairs*, 61(1). pp. 81-97.

- Pointvogl, A. (2009). Perceptions, realities, concession – What is driving the integration of European energy policies?. *Energy Policy*, 37(12), p. 5704.
- Roberts, D. (2010, January 11). Russian energy group with the power to turn off lights in Europe. *The Guardian*, p. 27.
- Said, E. (1993, November 21). The Phony Islamic threat. *New York Times Magazine*, p. 65.
- Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI) SIPRI (2007). *Yearbooks: Armament and Disarmament and International Security*. Oxford: Oxford University Press.
- Taspinar, O. (2008). *Turkeys Middle East Policies: Between Neo-Ottomanism and Kemalism*. Carnegie Paper. available at: http://www.carnegieendowment.org/files/cmec10_taspinar_final.pdf, (accessed on 2013, Oct 8).
- Walker, T. & Morton, J. (2005). Re-assessing the “power of power politics” thesis: is realism still dominant?. *International Studies Review*, 7(2), pp. 341–356.
- Yergin, D. (2006). Ensuring energy security. *Foreign Affairs*, 85 (2), pp. 69-82.

